

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لیست ترتیبی خطبه‌های مناسب‌های سال ۱۳۸۷

- ۰۱- خطبه‌ی عید نیمه‌ی شعبان ولادت حضرت قائم (عج) - ۲۷ مرداد ۸۷
- ۰۲- گزیده‌ای از متن خطبه‌ی غدیر که حضرت پیامبر (ص) ایراد فرمودند - ۲۷ آذر ۸۷
- ۰۳- معنای واقعی بیعت از زبان امیر مؤمنان امام علی (ع) - ۲۹ آذر ۸۷
- ۰۴- خطبه‌های محرم و صفر - دی، بهمن و اسفند ۸۷
- ۰۵- خطبه‌ی ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع) - ۲۵ اسفند ۸۷

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷ مرداد ۸۷

خطبه‌ی ولادت حضرت مهدی (عج)

حمد و سپاس خداوندی را که عجایب عظمتش پایان نپذیرد و خزائن رحمتش فنا نشود و هر نهانی پیش او آشکار و هر بزرگی و پادشاهی نزدش فقیر، به‌درستی که هیچ چیز برتر از حمد و سپاس او نیست و هیچ کس جز او نمی‌تواند حمد و سپاس را از راه لطف و رحمت پاداش دهد.

که برکات رحمتش در خلقت حضرت آدم، در فرزندان او به اوج رسید و بزرگ‌ترین برکات الهی که امامت و ولایت بود را در رسالت رسول اکرم خاتم انبیا محمد مصطفی (ص) قرار داد که اهل‌بیت و فرزندان او موضع و مکان رازهای الهی و اجراکننده‌ی امر خداوند بودند و همچنین همگی مخزن علم و حکمت و ارکان و بلندی‌های دین او که با استواری و پایداری و یاری آنان پشت دین که خمیده بود راست و نگرانی و اضطرابی که دین از عدم موفقیت داشت با کمک و همکاری آنان به پیروزی تبدیل شد.

و سلام بر روزها و شب‌هایی که چون قلب‌ها در سینه‌ی آدمیان در تپش دیدار حق در رفت و آمد هستند و زمان را با انتظار ثانیه‌های آن می‌شمارند تا لحظه‌ی موعود فرا رسد و آنگاه خورشید و ماه بر ضیافتی نورانی، مهمانان ظهور را دریابند و در جشنی بر حق، آنان را نورافشانی کنند.

ای منتظران و دوستداران ولایت و امامت، امروز که مصادف بود با اولین روز امامت مولا و سرورمان، خورشید تابنده، ماه منیر، پرچم هدایت و منجی عالم بشریت حضرت بقیة‌الله در خانه‌ی این گوهر یکتای الهی جمع شده‌ایم.

حضرت فاطمه (س) در مورد امامت و ولایت می‌فرماید: «حی علی خیرالعمل» در اذان یعنی ولایت امیر مؤمنان که در آغاز اطاعت پروردگار کریم است، نماز و ستایش همراه با اطاعت می‌باشد و اطاعت عمل به فرامین است. بزرگ‌ترین فرمان در اسلام اعلام ولایت بعد از رسول خاتم است و خداوند کریم وعده فرمودند که همه‌ی

مخلوقات خود را هدایت می‌کنند و تا هدایت‌گری نباشد کسی را مواخذه نمی‌کنند و آن هدایت در رسالت و امامت تا قیامت ادامه دارد.

در کنار ولایت بودن، از ظلمات نجات پیدا کردن است و این بهترین لطف و ایثار الهی است، پس نمازی که بهترین عمل‌هاست بدون ولایت کامل نیست و این دستور قرآن کریم است که فرمود: من دین را در جانشینی رسالت کامل کردم.

پس نماز بدون ولایت شبی تاریک و طوفانی است و عمل من در اطاعت از امامت در پنجره‌ی قلبم جاودانه شد و معنی اولی‌الامر منکم شکل گرفت و به عمل درآمد و آن عمل پذیرفته شد، اطاعت از امیر مؤمنان اطاعت از همه‌ی فرزندان امام می‌باشد پس در خدمت آخرین فرزندش، قائم آل محمد بودن، یعنی در خدمت امیر مؤمنان بودن، پس باید امت آخر زمان از ولیعهدشان اطاعت صد در صد داشته باشند تا عبادتشان پذیرفته شود و دینشان کامل گردد و اگر غیر از این بود مسلمانی در کار نیست.

با توجه به این سخنان و آیات قرآن کریم در می‌یابیم، پس از اینکه حضرت آدم به زمین آمد خداوند کریم وعده فرمود با رسالت پیامبران، فرزندان او را هدایت نموده و از وسوسه‌های شیطان نجات دهد و این وعده‌ی الهی تا ظهور اسلام و بعثت آخرین پیامبر کامل گردید و با انتخاب جانشین او به کمال رسید. پس از آن کسانی نجات می‌یابند که از کمال دین، یعنی امامت و ولایت اطاعت و پیروی کامل داشته باشند که این فقط با عمل به دستورات آنان که همان دستورات قرآن کریم است مقدور می‌باشد، همان‌گونه که خانم حضرت زهرا (س) عمل کردند و در این راه از هیچ‌کس و هیچ چیز نترسیدند و در این راه به شهادت رسیدند.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گزیده‌ای از متن خطبه‌ی غدیر که پیامبر (ص) ایراد فرمودند ۲۷ آذر ۸۷

من کنت مولا فهذا علی مولا

امیر مؤمنان علی (ع) در مورد غدیر می‌فرمایند:

زبان‌ها از شکر آن عاجز و فکرها از اندیشیدن به آن در حیرت است که خداوند بزرگ تکامل دین را در تکامل راه آن قرار داده است و سر آن را دوازده چراغ فروزان که هر اختری نوری را ساطع نمود که بسیاری از مردم در آن نور راه هدایت را یافتند و آخرین اختری که باقی‌مانده اجراکننده‌ی یحیی و یمیت است و طبق مثال‌های قرآن کریم که بعد از هر باران طبیعت زنده می‌شود و گیاهانی تازه می‌رویند؛ در غدیر، طبیعت زنده شد و آنچه گیاهان از آن روید همه معطر و خوشبو بودند (دوازده امام) که هرگز خزانی به آن‌ها راه پیدا نکرد و آخرین امام بهاری است که هرگز پاییزی ندارد و گل غدیر در آن برای همیشه باقی می‌ماند و احدی را جرئت چیدن آن نمی‌باشد ولی چه اندک هستند آن‌هایی که با بهار غدیر گل دادند و چه بسیارند آن‌هایی که با خزان غدیر زرد شدند و از بین رفتند و هرگز برایشان حیاتی مجدد نمی‌باشد. جز خزان رنگی را نخواهند دید و جز آتش خانه‌ای نخواهند داشت.

واقعه‌ی غدیر

در سال دهم هجری پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم برای اولین بار به‌طور رسمی اعلان عمومی حج دادند تا همه‌ی مردم در حد امکان حاضر شوند. آن حضرت این سفر را به‌عنوان (حجة الوداع) مطرح کردند که به معنای تنها سفر پر خاطره آن حضرت در دل‌ها جای گرفت.

هدف از این سفر بیان دو حکم از قوانین اسلام بود که هنوز برای مردم به طور کامل و رسمی تبیین نشده بود: یکی حج و دیگری مسئله خلافت و ولایت و جانشینی بعد از پیامبر.

پس به دستور الهی، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم منادیانی را به مدینه و اطراف آن فرستادند و تصمیم این سفر را به اطلاع همه رساندند تا هر کس بخواهد خود را آماده این سفر و همراهی با حضرت نمایند. پس از اعلان عمومی، عده‌ی بسیاری از اطراف مدینه به شهر آمدند تا همراه حضرت و مهاجرین و انصار در سفر مکه ملازم رکاب حضرت باشند. با حرکت کاروان رسول گرامی اسلام در بین راه مدینه تا مکه، افراد قبایل به جمعیت اضافه می‌شدند با رسیدن این خبر مهم به مناطق دورتر، مردم اطراف مکه و شهرهای یمن و غیر آن نیز به سوی مکه سرازیر شدند تا جزئیات احکام حج را شخصاً از پیامبرشان بیاموزند. حضرت اشاراتی فرموده بودند که امسال سال آخر عمر مبارکشان است و این موضوع باعث شرکت همه جانبه مردم شده بود جمعیتی حدود یکصد و بیست هزار نفر در مراسم حج شرکت کردند که هفتاد هزار نفر آنان از مدینه به همراه حضرت حرکت کرده بودند.

حجاج یمن همراه امیر المومنین علیه السلام

در ایامی که سفر حج اعلام شد، امیر المومنین علیه السلام با لشکری از طرف پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به نجران و سپس به یمن رفته بودند هدف از این سفر دعوت به اسلام و جمع آوری خمس و زکات و جزیه بود و نیز حل اختلافی که بین اهل یمن پیش آمده بود. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم هنگام حرکت از مدینه به سمت مکه برای امیر المومنین علیه السلام نامه‌ای فرستادند و طی آن دستور دادند که آن حضرت نیز با لشکر و کسانی از اهل یمن که مایل به شرکت در مراسم حج هستند از آنجا به سوی مکه حرکت کنند.

امیر المومنین علیه السلام پس از پایان کارهای محوله در نجران و یمن، با لشکر همراه و دوازده هزار نفر از اهل یمن عازم مکه شدند. مردم مدینه در مسجد شجره احرام بستند و مردم اهل یمن به دستور حضرت علی علیه السلام در میقات اهل یمن احرام بستند با نزدیک شدن به شهر مکه حضرت علی علیه السلام جانشینی برای لشکر انتخاب کردند و خودشان پیشتر به ملاقات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شتافتند در نزدیکی مکه به خدمت حضرت رسیدند و گزارش سفر را دادند پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بسیار مسرور شدند و دستور دادند هرچه زودتر لشکر همراه و حجاج یمنی را به مکه بیاورد امیر المومنین علیه السلام به سرعت به محل لشکر بازگشتند و همراه آنان هم‌زمان با قافله پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در پنجم ذی‌حجه وارد مکه شدند.

تحويل ميراث انبياء عليهم السلام به صاحب ولايت

پس از پایان مراسم حج دستور الهی بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم چنین نازل شد: «نبوت تو به پایان رسیده و روزگارت کامل شده علم و میراث انبیاء را به علی بن ابی‌طالب بسپار که اولین مؤمن است من زمین را بدون عالمی که اطاعت من و ولایتم با او شناخته شود و حجت بعد از پیامبرم باشد رها نخواهم کرد».

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، امیر المومنین علیه السلام را فراخواند و مجلس خصوصی تشکیل دادند و ودایع الهی (صحف آدم و ابراهیم علیهم السلام و تورات و انجیل و عصای حضرت موسی علیه السلام، انگشتر سلیمان علیه السلام و دیگر میراث ارجمند اولیای الهی) را به آن حضرت تحويل دادند و بدین‌سان میراث شش هزارساله‌ی انبیاء علیهم السلام به امیر المومنین علیه السلام سپرده شد. این ودایع از امیر المومنین علیه السلام به امامان بعد منتقل شده تاکنون که در دست مبارک آخرین حجت پروردگار حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام است.

ورود به منطقه‌ی غدیر

قافله‌ی عظیم حجاج نزدیک ظهر روز هجدهم ذی‌حجه، همین‌که به منطقه‌ی «غدیر خم» رسیدند حضرت مسیر حرکت خود را به‌طرف راست جاده و به سمت غدیر تغییر دادند و فرمودند:

ایها الناس اجتنبوا داعی الله، انا رسول الله

ای مردم، دعوت کننده خدا را اجابت کنید که من پیام‌آور خدایم.

این کنایه از آن بود که هنگام ابلاغ پیام مهمی فرا رسیده است لذا فرمان دادند تا منادی ندا کند «همه مردم متوقف شوند و آنانکه پیش رفته‌اند بازگردند و آنان که پشت سر هستند توقف کنند» تا آهسته آهسته همه‌ی جمعیت در محل از پیش تعیین شده جمع گردند.

بعد از نماز ظهر که به‌صورت جماعت اقامه شده بود مردم منتظر بودند رسول گرامی اسلام سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه رسمی خود را آغاز کنند.

حضرت در اولین بخش سخنانشان به حمد و ثنای الهی پرداختند و صفات و قدرت و رحمت حق تعالی را ذکر نمودند و بعد از آن به بندگی خود در مقابل ذات الهی شهادت دادند. در بخش دوم، سخن را متوجه مطلب اصلی نمودند و تصریح کردند که باید فرمان مهمی درباره‌ی علی ابن ابی‌طالب ابلاغ کنم و اگر این پیام را نرسانم رسالت الهی را نرسانده‌ام و ترس از عذاب الهی دارم همچنین تصریح کردند که خدا چنین به من وحی کرده است:

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس «آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی مائده»

ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده درباره علی، یعنی خلافت علی ابن ابی طالب و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند.

سپس امر مؤکد پروردگار درباره اعلام ولایت را با صراحت تمام مطرح کردند و فرمودند: جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بپا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی ابن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر اتمم و امام بعد از من است. نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است.

خداوند در این مورد آیه‌ای از کتابش بر من نازل کرده است:

انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا الذین یقیمون الصلاه و یوتون الزکاه وهم راکعون
«آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مائده»

صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز به پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

و علی ابن ابی طالب است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند را قصد می‌کند. خداوند از من راضی نمی‌شود مگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

حضرت در سومین بخش از سخنانشان امامت دوازده امام بعد از خود را تا آخرین روز دنیا که همان گل‌های غدیر هستند اعلام فرمودند تا همه حرص و طمع‌ها یک‌باره قطع شود. برای درک عمیق از اهمیت مسئله فرمودند:

ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بپا می‌ایستم. پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید.

ایشان در بخشی از سخنانشان چنین فرمودند:

حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) حلال کرده باشند و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) بر شما حرام کرده باشند. خداوند

عزوجل حلال و حرام را به من شناسانده است و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخت به او (امام علی علیه السلام) سپرده‌ام.

پس از بیان این همه عظمت، مردم را از مخالفت بر حذر داشتند و فرمودند: ای مردم، او از طرف خداوند امام است و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه‌اش را نمی‌پذیرد و او را نمی‌بخشد.

همچنین ایشان فرمودند:

به خدا قسم، باطن قرآن را برای شما بیان نمی‌کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی‌کند مگر شخصی که من دست او را می‌گیرم و او را به سوی خود بالا می‌برم و بازوی او را می‌گیرم و با دو دستم او را بلند می‌کنم و به شما می‌فهمانم که:

هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب و اختیار او است و او علی بن ابی طالب برادر و جانشین من است و ولایت او از جانب خداوند عزوجل است که بر من نازل کرده است.

سپس تصویر زیبایی از ارتباط دو رکن اعظم اسلام ارائه نمودند و فرمودند: ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دو از دیگری خبر می‌دهد و با آن موافق است. آن‌ها از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین‌های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند. در این مرحله با قاطعیتی تمام هرگونه تعرض به مقام صاحب غدیر را حرام شمردند و فرمودند: بدانید که امیر المومنینی جز این برادرم را نیست. بدانید که «امیر المومنین» بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

در بخش دیگری از سخنانشان به نزول وحی و کامل شدن دین با ولایت امیر المومنین اشاره کردند و این آیات را تلاوت نمودند:

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم السلام دينا «آیه ی ۳ سوره ی مائده»

امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما راضی شدم.

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ السَّلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ «آیهی ۸۵ سورهی آل عمران»

هرکس دینی غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نمی‌شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

بار پروردگارا تو شاهی که من ابلاغ نمودم.

ایشان در خطابه محکم و زیبایشان به خلقت نورانی خود و اهل بیت اشاره کردند و فرمودند: ای مردم، نور از جانب خداوند عزوجل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم؛ که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می‌گیرد. سپس به امامان گمراهی که مردم را به جهنم می‌کشاند اشاره کرده فرمودند: ای مردم، بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می‌کنند و روز قیامت کمک نمی‌شوند. ای مردم، خداوند و من از آنان بیزار هستیم. ای مردم آنان و یارانشان و تابعانشان و پیروانشان در پایین‌ترین درجه آتشاند و چه بد است جای متکبران! «آیهی ۴۱ سورهی قصص اشاره به ائمه النّار»

(سپس اشاره‌ی رمزی به ماجرای سقیفه نمودند که نطفه آن توسط منافقین در حجة الوداع با امضای صحیفه‌ی ملعونه در مکه منعقد شده بود) و فرمودند:

بدانید که آنان اصحاب صحیفه‌اند پس هر یک از شما در صحیفه‌ی خود نظر کند؟! البته همه منظور پیامبر را درک نکردند به جز مجریان سقیفه و عده‌ی کمی که توسط خود حضرت از این ماجرای سقیفه مطلع بودند. سپس حضرت با صراحت فرمودند:

به‌زودی امامت را بعد از من به‌عنوان پادشاهی و با ظلم و زور می‌گیرند خداوند غاصبین و تعدّی‌کنندگان را لعنت کند سپس مسئله امتحان الهی و عاقبت غاصبین را چنین مطرح کردند:

«ای مردم، خداوند عزوجل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خبیث را از پاکیزه جدا کند و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی‌کند. ای مردم، هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه خداوند آل آن را در اثر تکذیب آیات الهی قبل از روز قیامت هلاک خواهد کرد و آن را تحت حکومت الهی مهدی (عج) در خواهد آورد؛ و خداوند وعده‌ی خود را عملی می‌نماید.»

ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام

در این بخش از سخنان حضرت فرمودند: سوره‌ی حمد را که همه روزه تمام مسلمانان تلاوت می‌کنند درباره‌ی امامان است و اصحاب صراط مستقیم وجود پاک ائمه اطهار علیهم السلام هستند سپس آیاتی درباره اهل بهشت از شیعیان و پیروان آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم را تلاوت کردند و تفسیر نمودند.

سپس درباره‌ی زمان آینده توضیح دادند و تصویر زیبایی از عدل و داد به دست آخرین حجت زمان حضرت مهدی ارواحنا فداه را در اذهان حیران مردمان غدیر بر تابلوی حقیقت نقش زدند و درباره صاحب الزمان صلوات الله علیه چنین فرمودند:

بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه‌ها و منهدم کننده آنها، اوست غالب بر هر قبیله‌ای از اهل شرک و هدایت کننده آنان. اوست گیرنده انتقام هر خونی از اولیاء خدا. اوست یاری دهنده دین خدا. بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق. اوست که هر صاحب فضیلتی را به قدر فضلش و هر صاحب جهالتی را به قدر جهلش نشانه می‌دهد. اوست انتخاب شده و اختیار شده خداوند. اوست وارث هر علمی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانید که اوست خبر دهنده از پروردگارش و بالابرنده آیات الهی. اوست هدایت یافته‌ی محکم بنیان. اوست که کارها به او سپرده شده است. اوست که پیشینیان به او بشارت داده‌اند، اوست که به‌عنوان حجت باقی می‌ماند و بعد از او حجتی نیست.

هیچ حقی نیست مگر همراه او و هیچ نوری نیست مگر نزد او. بدانید که او کسی است که غالبی بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی‌شود. اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقش و امین او بر نهان و آشکارش.

وجود مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم در پایان بخش سخنانشان فرمودند:

بدانید که من بعد از پایان خطابه‌ام شما را به دست دادن با من به‌عنوان بیعت با او و اقرار به او و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می‌خوانم. بدانید که من با خدا بیعت کرده‌ام و علی با من بیعت کرده است و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می‌گیرم. در این باره به آیه‌ی ۱۰ از سوره‌ی فتح استناد کردند و فرمودند:

خداوند عزوجل چنین می‌فرماید:

کسانی که با تو بیعت می‌کنند در واقع با خدا بیعت می‌کنند دست خداوند بر روی دست آنان است پس هر کس بیعت را بشکند این شکستن بر ضرر خود اوست و هر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۹ آذر ۸۷

معنای واقعی بیعت از زبان امیر مؤمنان (ع)

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: آیا با بیعت به معنی واقعی آن آشنا هستید؟ و دست ولی را در دستان خود گرفته‌اید و طعم آن را حس کرده‌اید؟ و شیرینی آن را درک نموده‌اید؟ ولی مردم عصر من آن شیرینی را به زهری خطرناک تبدیل کردند. آن زهر در جان‌شان اثر کرد آن‌چنان‌که نجات از آن ممکن نشد.

مرگ در وجودشان نمایان شد و تلاش من برای نجات ایشان بی‌حاصل ماند و آنان مردند و بدنی مسموم را به قیامت می‌آورند تا سموم آن با آتش بسوزد و پاک گردد. مهر و موم‌ها می‌گذرد و بیعت‌کنندگان عصر حاضر ولایت، نام مرا دوست می‌دارند ولی دست مرا نمی‌گیرند، بلکه از آن می‌ترسند، دستانشان را مخفی می‌کنند و نام مرا برای بیعت صدا می‌زنند.

بیعت با صدا مانند نوایی در باد است که باد فقط باعث تکرار آن می‌شود و اثر دیگری ندارد.

ظلم در نام من محو و نابود می‌شود و ظالم با نام من دچار عطش قیامت خواهد شد.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۵ اسفند ۸۷

خطبه‌ی ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع)

پروردگارا شکر و سپاس بی‌کران مخصوص توست که نعمت‌های بی‌شمارت را بی‌دریغ بر بندگان عطا فرمودی. بار الها، عذر ما را بپذیر چون تو بر ناتوانی ما بر شکرگزاری آن‌ها آگاهی.

و شکر و سپاس بر هدایت پروردگار کریم که از شعله‌های فروزان نبوت، بر جان‌های انسان‌ها نور معرفت و حکمت را شعله‌ور نمود تا راه رسیدن به لقاء پروردگار روشن و منور باشد.

امروز ۱۷ ربیع‌الاول، نوید زنده شدن را به عالمیان، با تولد آخرین شعله‌ی هدایت و خاتمه دهنده‌ی رسالت پیامبران، می‌دهد، پس شکر می‌گوییم پروردگار یکتا را که با نزول قرآن کریم بر قلب مبارک حضرت محمد (ص)، عالم را از جهل و تاریکی به سوی نور و روشنایی هدایت فرمودند، مطابق وعده‌ی الهی که در کتاب‌های آسمانی فرموده‌اند در آینده پیامبری خواهد آمد و از او نسلی باقی خواهد ماند که انوار آفرینش هستند و پایه‌های حیات تا انسان‌ها بتوانند عهد و پیمان‌الست را درک کنند و در کنار برگزیدگان الهی خالق خود را بشناسند.

و پرسش‌کنندگان می‌پرسیدند، خدا کیست؟ چه کسی را باید پرستش کرد؟ چه کسی ما را آفریده است؟ و چرا آفریده است؟ منظور از آفرینش چه بوده؟ مقامات ذاتی انسان چه بوده است؟ و زبان قرآن کریم به تمام این پرسش‌ها پاسخ داد و قلب مبارک پیامبر (ص) مرکز این آیات الهی شد.

آنگاه که همگی از باطن غیب جدا شدیم و به ظاهر زندگی جسمی پیوند خوردیم دارای روح و جسم شدیم و پروردگار کریم پیامبران را مبعوث فرمود تا راه هدایت را بر بندگان خویش هموار سازند.

و ما شکر می‌کنیم بر خاندان رسالت که برکت زمین هستند همان‌گونه که باران، برکت رویدنی‌های زمین است.

امروز برای سرور و شادمانی خود در روز میلاد پیامبر اکرم و فرزند گرامی‌شان حضرت امام جعفر صادق (ع)، از سخنان گوهربار خانم فاطمه‌ی زهرا (س) در این مورد مدد می‌جوییم که چنین فرمودند: منتظر بودن و ندبه خواندن یعنی ابراز دل‌تنگی از کفر و طلب روشنایی آفتاب و این درخواست در حالی است که آفتاب در زیر ابر نیست، بلکه انوار آن در دل‌ها خاموش گردیده است و حجاب گناه و کفر مانع رسیدن نور بر ضمیر انسان‌ها شده است و طلب هدایت برای بشریت، طلب تمام رسولان الهی بوده است، پس دعا در هدایت نامش صبر حضرت نوح است؛ که ناامیدی معنی و مفهومی ندارد. زحمت رسالت شیرینی هدایت است مزد موجودی که این زحمت را متحمل می‌شود، پروردگار کریم شیرینی رسالت را به او عطا می‌کند.

پس در زمانه‌ی خود که فرصت فهمیدن این شهد فراهم است، آن را با جان بخرید و شاکر باشید، پیوند ادیان الهی در زیر پرچم آخرین نور هدایت با شکوه‌ترین لحظه خواهد بود.

ضربان زمان جز به حق نواخته نمی‌شود و حرکت به جانب باطل، جز نابودی را برای نوازندگان آن به دنبال ندارد، به امید ظهور عدالت و نابودی کفر و طغیان پس انتظار برای عدالت بهترین انتظارهاست که در این انتظار پیامبران نتیجه‌ی زحمات خود را در هدایت بندگان خواهند دید.

اللهم عجل لولیک الفرج